



## پنجشنبه بیست و سوم آبان ۱۳۸۷ - سیزدهم نوامبر ۲۰۰۸

### علی اکبر بهمنش از وکلای زندانیان سیاسی صبح امروز درگذشت



خبرنامه امیرکبیر: علی اکبر بهمنش مرد بزرگ مبارز در سن ۹۵ سالگی و پس از عمری تلاش برای آزادی و عدالت صبح امروز درگذشت. این مرد بزرگ و این نمونه ی مقاومت و انسانیت قاضی تحقیق واقعه ی ۱۶ اذر ۱۳۳۲ در دانشگاه تهران بود. او از همزمان خسرو روزبه و دادستان دادگاه افشار طوس بود. این مبارز شریف از وکلای شرافتمند زندانیان سیاسی در رژیم پیشین و فعلی بود و پرونده های زیادی را وکالت کرد. آقای بهمنش در زمان رژیم پیشین بارها به زندان افتاد و به شدت شکنجه شد. بهمنش در ۱۰ سال اخیر یار و همزم بسیاری از مبارزین و دانشجویان بود همچنین وکیل قتل های زنجیره ای و از نخستین وکلای پرونده ی مهندس امیر انتظام بود. بهمنش برای مبارزین نه یک وکیل و یار که یک پدر مهربان به حساب می آمد. بهمنش همراه با یار و همزم خود شادروان محمد علی سفری برای دانشجویان زندانی کوشش های زیادی کرد. او همواره از دکتر مصدق و شهدای ۳۰ تیر و شهدای ۱۶ اذر یاد می کرد و دوست داشت در کنار شهدای ۳۰ تیر آرام بگیرد.

درگذشت این مرد بزرگ را به همه ی آزادی خواهان و یارانش و نیز به خانواده تسلیت می گوئیم. روانش شاد و راهش پر رهرو باد. به گزارش خبرنامه امیرکبیر مراسم دفن ان بزرگ مرد صبح ادینه ساعت ۱۰ از روبروی منزلش واقع در تهران نو-خیابان بابا طاهر شرقی پلاک ۱۵۸ انجام خواهد گرفت.

### خاتمی: برخی ابتدا از من عبور کردند بعد از دین، قانون اساسی و نظام



خبرنامه امیرکبیر: سیدمحمد خاتمی در دیدار با یکی از گروه های دعوت از خود برای حضور در انتخابات آینده عدم مخالفت خود با راه اندازی این گروه ها را «دامن زدن به چندصدایی در جامعه» عنوان کرد. خاتمی در این دیدار با اشاره به فعالیت های آغاز شده برای کاندیداتوری او شامل یاری، پویش دعوت از خاتمی و ستاد ۸۸ و گفت: «این که من مخالفتی با راه اندازی این گروه ها و ستادها نکرده ام از این باب است که معتقدم این فعالیت های نشان دهنده این است که چهره غالب ایران آن نیست که الان نشانه داده می شود و در واقع این فعالیت ها موجب دامن زدن به فضای چند صدایی و مطرح شدن حرف های مردم در خصوص عملکردهاست.»

خاتمی در ادامه از مقطعی بودن دعوت از خود برای حضور در صحنه اظهار نگرانی کرد و گفت: «نکند این جریان ایجاد شده مقطعی باشد و وابسته به تصمیم یک فرد و فردای انتخابات هرکس روی کار می آید کاملاً فروکش کند، نکند که این فعالیت ها همچون حبایی باشد که روز به روز بزرگتر می شود و ناگهان می ترکد و دیگر هیچ.»

خاتمی در ادامه در باره ی برنامه و نقشه راه خود و اصلاح طلبان برای انتخابات آینده، این نقشه راه را برنامه چهارم توسعه و سند چشم انداز ۲۰ ساله دانست و گفت: «اصلاح طلبان و دولت اصلاحات باید نقشه راه داشته باشند و البته برنامه چهارم توسعه و سند چشم انداز ۲۰ ساله را بخش عمده ای از این نقشه راه دانست که به عقیده او توانست مسیر درست حرکت را نشان دهد و ترسیم کند، هرچند که این مسیر در این چند ساله باز در حال به فراموشی سپرده شدن است.»

وی در بیان مقایسه از فضای تخریب در سال ۷۶ نسبت به امروز گفت: «درست است که تخریب های امروز کمتر از تخریب های پیشین است، اما نباید از آن غافل شد؛ به طور مثال رسانه های مخالف در حالی تلاش می کنند اظهارات نادرست برخی از افراد در خصوص دین و نظام را به من و به اصلاحات منتسب کنند که این ها ابتدا از من و اصلاحات عبور کردند و در مرحله بعدی از دین و قانون اساسی و نظام.»

### بیانیه ۱۴ انجمن اسلامی در حمایت از دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان



خبرنامه امیرکبیر: در پی حوادث اخیر دانشگاه سیستان و بلوچستان و مضر و شدن دانشجویان این دانشگاه، انجمن های اسلامی ۱۴ دانشگاه کشور در بیانیه ای حمایت خود را از دانشجویان این دانشگاه اعلام کرده و نسبت به بی مسئولیتی مسئولین حراست و انتظامات انتقاد کردند. متن این بیانیه به شرح زیر است:

به نام خداوندگار پایمردی  
گر چه پراکنده ایم و هر یک به گوشه ای از این خاک رنج دیده مسکن گزیده ایم لیک ، هر جایی که باشیم دست در دست یکدیگر ، یارانمان را حامیانی پر غرور خواهیم بود .

در دوره ای که دانشجویان پاک و صادق دانشگاه های ایران، تنها به جرم آرمان خواهی پاک و عدالت طلبی شان از ورود به دانشگاه محروم می شوند. در دوره ای که دانشجوی ایرانی را تنها به حکم باور به آزادی و سعادت مندی میهنش از خانه حقیقی خویش می رانند، در چنین زمانه ای ما شاهد برخورد منفعلانه و سهل انگارانه عوامل حراست دانشگاه سیستان و بلوچستان در قبال ورود اوباش و هرج و مرج طلبان غیردانشجو به این دانشگاه هستیم. گویا در این زمانه حراست دانشگاه، مسئولیت نخستین خویش را که همانا حمایت از حریم امنیت دانشجویان از یاد برده و تبدیل به نهاد حراست از مسئولین بر ضد دانشجویان شده است. اگر نیک بنگریم در خواهیم یافت که این خود بزرگترین عامل در باز ماندن دست متجاوزین، به حریم دانشجو و دانشگاه است.

در روز یکشنبه ۱۳۸۷/۸/۱۹ حدود ۱۵ تن از هم شاگردی های دانشجویی ما در دانشگاه سیستان و بلوچستان در حالی که بدون دغدغه و به

امید امنیت ایجاد شده توسط کارکنان حراست دانشگاهشان، وقت فراغت خود را با ورزش دسته جمعی سپری می کردند، عده ای از ارادل و اوپاش به راحتی وارد فضای دانشگاه شده و آنها را مورد تهاجم و ضرب و شتم قرار می دهند. در این حادثه دو تن از دانشجویان به صورت جدی آسیب می بینند. این پیش آمد دانشجویان را به خشم آورده و جمعی در سطح وسیع شکل می گیرد که در همان شب حدود ساعت ۲۳، با قول پیگیری از سوی ریاست دانشگاه خاتمه می یابد.

اما فردای آن روز، همان افراد یاغی دوباره به حریم دانشگاه تعدی کرده و همشاکردی های ما را با ضربات چاقو، روانه بیمارستان می کنند. این در حالی است که رئیس دانشگاه شب گذشته قول پیگیری ماجرا را به دانشجویانش می دهد، و لیکن حراست همچنان سست و بی مسئولیت، در های دانشگاه را به روی تشنج آفرینان و قداره بدستان باز می گذارد.

از آن پس تا هم اکنون یاران دانشجویی ما در این دانشگاه به امید پاسخی قاطع از جانب مسئولین، تحسن گسترده ای را آغازیده اند که به رغم فشار ها و تهدید های متعدد و با وجود دوربین های فیلم برداری که به امنیتی شدن فضای دانشگاه انجامیده است، دانشجویان دست از خواسته ی کاملاً صنفی خود نکشیده اند.

انجمن های اسلامی امضا کننده ی این بیانیه خطاب به دانشجویان دانشگاه زاهدان اعلام می دارند: یاران تا آنجا که شما ایستاده اید، ما نیز در کنارتان پایمردی خواهیم نمود و تا روزی که هر گوشه ی میهن عزیزمان بی مسئولیتی ببینیم، آرام نخواهیم نشست.

همچنین خطاب به کارگزاران دانشگاه سیستان و بلوچستان و مسئولین امر فراتر از دانشگاه صراحتاً اعلام می داریم که تا گرفتن پاسخی قانع کننده دست از حمایت یارانمان بر نمی کشیم.

”زنده باد دانشگاه بیدار“ ”جاودانه باد پایداری“ ”پیروز باد دانشجوی حق طلب“

\* انجمن های امضا کننده:

- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بیرجند؛ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شاهرود؛ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه کرمان؛ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان؛ - فراکسیون مدرن انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های فردوسی و علوم پزشکی مشهد؛ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد؛ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز؛ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مازندران؛ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ایلام؛ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم سبزوار؛ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه دامغان؛ - مجمع اسلامی دانشجویان دانشگاه سمنان؛ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعت نفت آبادان؛

## کانون نویسندگان ایران

### ۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور

آزادی اندیشه و بیان حق طبیعی هر انسانیست، زیرا به طور طبیعی هر انسانی می اندیشد و هیچ دلیل طبیعی نیز برای جلوگیری از بیان اندیشه ی او وجود ندارد. آن چه موجب سلب این حق از انسانی می شود، منافع نظام هایی است که برای تداوم خود در صدد حذف اندیشه ی مخالف برمی آیند. به این ترتیب اکنون این حق طبیعی کم و بیش در سراسر جهان- گیریم به درجات مختلف- از سوی مراجع قدرت از افراد انسان سلب می شود. اما سلب آزادی بیان تنها با توقیف کتاب ها، نشریات و روزنامه ها یا جلوگیری از نشر و پخش آثار نویسندگان و اندیشمندان صورت نمی گیرد. حذف فیزیکی صاحبان قلم و اندیشه و تعقیب و آزار آنان نیز شکل دیگری از سرکوب آزادی بیان است. هر ساله صدها اندیشمند، نویسنده و روزنامه نگار تنها به دلیل انتشار اندیشه ها و عقاید خود یا کوشش برای بیان و افشای واقعیت های اجتماعی به قتل می رسند، به زندان می افتند، یا به شکل های دیگر تحت فشار و تعقیب قرار می گیرند.

بنا به آمار گزارشگران بدون مرز، فقط در سال ۲۰۰۶، ۹۶ روزنامه نگار کشته و ۱۳۵ نفر زندانی شده اند. در مورد نویسندگان و اندیشمندان که صرفاً به دلیل ابراز عقاید و بیان اندیشه های خود کشته یا زندانی شده اند آمار ی در اختیار نداریم، اما پیوسته شاهد اخبار پراکنده از این دست نیز هستیم.

اما وضع ایران از بیشتر کشورهایایی که در آن ها آزادی اندیشه و بیان سلب می شود، وخیم تر است. البته جامعه ایران و به ویژه نویسندگان و هنرمندان آن سال هاست که با پدیده ی سانسور دست به گریبان اند؛ اما ظرف دو سه سال اخیر این پدیده چنان دامنه ی گسترده ای یافته است که جز قلع و قمع فرهنگی نامی بر آن نمی توان نهاد. انبوه کتاب هایی که ماه ها و سال ها در انتظار اخذ مجوز در ساختمان ارشاد بر روی هم انباشته می شوند گواه این مدعاست، و این در حالیست که متولیان سانسور مطالب بسیاری از کتاب هایی را هم که اجازه انتشار می یابند دستکاری و در آن ها اعمال نظر می کنند. علاوه بر این، سینما، تئاتر، موسیقی، وبلاگ نویسی، سایت های اینترنتی و دیگر عرصه های اندیشه و بیان نیز از این دست اندازی ها که هر روز شدیدتر می شود در امان نیستند. مجموع این شرایط معنایی جز سرکوب خلاقیت و ممانعت از ابراز وجود نویسندگان و هنرمندان ندارد. دستگاه سانسور در حقیقت نه کلمه و تصویر، بلکه خودانگیختگی و ابراز آن را که حق طبیعی هر انسانیست سلاخی می کند و به این ترتیب حق جامعه را برای برخورداری از ادبیات و هنر غیرحکومتی و پیشرو لگدمال می سازد.

کانون نویسندگان ایران که دو تن از چهره های برجسته آن، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، در سال های اخیر در راه آزادی اندیشه و بیان جان باخته اند، به پیروی از اصول مندرج در منشور خود، در برابر این موج رو به گسترش سانسور که بسیاری از نویسندگان و هنرمندان را در عمل خاتمه شین کرده و آثار آنان را در محاق فرو برده است، اعتراض و انزجار خود را اعلام می کند.

در همین راستا، کمیته مبارزه با سانسور کانون روز ۱۳ آذر را به یاد جانباختگان آذرماه ۷۷ به عنوان روز مبارزه با سانسور اعلام و از نویسندگان و هنرمندان در داخل و خارج کشور می خواهد تا صدای اعتراض خود را با صدای ما درآمیزند. باشد که روزی سایه سنگین سانسور از سر ادبیات و هنر برداشته شود.

نویسندگان و هنرمندان در ایران و جهان! / اتحادیه های نویسندگان! / انجمن های قلم در سراسر جهان!

شما را فرا می خوانیم تا ضمن به رسمیت شناختن این روز، از حرکت ما در مبارزه با سانسور به هر طریق ممکن حمایت کنید.

کمیته مبارزه با سانسور / کانون نویسندگان ایران

۲۲ آبان ۱۳۸۷

Email: kanoon.nevisandegan.iran@gmail.com

ایران امروز

## درخواست فوری برنامه نظارت بر حمایت مدافعان حقوق بشر در باره ۱۵ سال محکومیت زندان برای یاسر گلی

برنامه نظارت بر حمایت مدافعان حقوق بشر، به عنوان برنامه ای مشترک از "سازمان جهانی مبارزه با شکنجه" (OMCT) و "فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر" (FIDH) اطلاعات جدیدی را دریافت کرده و از شما درخواست می کند که سریعاً درخصوص موارد زیر در جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایید.

اطلاعات جدید:

برنامه نظارت از سوی منابع قابل اطمینان مطلع شده که آقای یاسر گلی، یکی از فعالان حقوق بشر کرد و دبیرکل اتحادیه دانشجویان کرد دانشگاه های ایران، که از تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۰۷ در زندان بسر می برد، به ۱۵ سال زندان محکوم شده است.

با توجه به اطلاعات به دست آمده، آقای یاسر گلی روز ۶ نوامبر ۲۰۰۸ از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب سنندج به ۱۵ سال زندان همراه با تبعید به کرمان محکوم شده است. اتهام او تماس با "سازمان های غیرمشروع کرد" عنوان شده (ماده ۱۶۸ قوانین کیفری اسلامی). وکیل مدافع او در مورد این محکومیت درخواست تجدید نظر خواهد کرد. در زمان انتشار این درخواست فوری، او همچنان در زندانی در کردستان بسر می برد و اطلاعات بیشتری در مورد مکان دقیق حبس او در دست نیست.

برنامه نظارت مراتب نگرانی عمیق خود را نسبت به محکومیت سنگین آقای گلی که مجدداً گواهی بر سیاست ورزی سرکوب گرایانه دولتمردان جمهوری اسلامی در قبال مدافعان حقوق بشر است اعلام می دارد.

برنامه نظارت همچنین خاطرنشان می سازد که ایران با ارائه نامزدی خود در انتخابات شورای حقوق بشر سال ۲۰۰۶ متعهد شده است تا "بالاترین سطح استانداردها را در ارتقاء و حمایت از مقوله حقوق بشر حفظ کند". قابل ذکر است که ایران روی این واقعیت تأکید نموده که "تلاش هایی را به طور مستمر در زمینه حفظ شئون انسانی و ارتقاء و حمایت از مقوله حقوق بشر و آزادی های اصلی انجام می دهد". برنامه نظارت به منظور اطمینان بخشیدن به واقعیت ادامه این تلاش ها، از جمهوری اسلامی ایران می خواهد تا براساس استانداردهای بین المللی حقوق بشر عمل کند.

اطلاعات اولیه:

آقای گلی پس از سپری کردن ۳ ماه در زندان، در تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۰۸ به زندان مرکزی سنندج انتقال یافت. تا آن زمان او امکان ملاقات با خانواده اش را نداشت. این درحالی است که آقای گلی از ناراحتی قلب رنج می برد و بارها به دلیل مداوا و درمان در بیمارستان بستری شده است.

اعضای خانواده او بسیار تلاش کرده اند تا وضعیت و گرفتاری های پیش آمده برای آقای گلی را حل و فصل کنند. پدر وی، آقای صالح گلی، در تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۷ در ارتباط با پرونده پسرش دستگیر شد. وثیقه آزادی او ۱۰ میلیون تومان مقرر گردید، ولی او متعاقباً آزاد شد. اقدامات فوری مورد درخواست:

از شما خواهشمندیم که هر چه سریعتر دولتمردان جمهوری اسلامی را از درخواست های زیر باخبر سازید:

۱. تحت هر شرایطی، سلامت روحی و جسمانی آقای یاسر گلی را تضمین کنند.
۲. اطمینان دهند که آقای یاسر گلی هرچه سریعتر و بدون هیچ گونه قید و شرطی آزاد خواهد شد، زیرا حبس او خودسرانه بوده و کاملاً مشخص است که صرفاً به دلیل فعالیت های وی در زمینه حقوق بشر صورت گرفته.
۳. سریعاً به هرگونه اقدام تهدیدآمیز و آزاردهنده در قبال آقای یاسر گلی و تمامی مدافعان حقوق بشر در ایران پایان دهند.
۴. به مواد اعلامیه مدافعان حقوق بشر، تصویب شده توسط مجمع کل سازمان ملل در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸، احترام گذاشته و آن را رعایت کنند. به ویژه ماده اول آن که می گوید: "هر شخصی به صورت فردی یا گروهی این حق را دارد که در سطوح ملی و یا بین المللی اقدام به حمایت از حقوق بشر کند و آزادی های اصلی را تحقق بخشد" و همچنین ماده ۶ قسمت دوم که می گوید: "هر شخصی این حق را دارد (...)" تا به شکلی آزادانه به افشا، اشاعه یا نشر نظریات دیگران و اطلاعات مربوط به حقوق بشر و آزادی های اصلی اقدام کند" و همچنین ماده ۲.۱۲ که می گوید: "دولت باید کلیه تدابیر لازم را انجام دهد تا حمایت فردی و گروهی همه کس در برابر خشونت، تهدید، تعقیب، اقدامات تلافی جویانه، فشار، تبعیض های منفی شخصی و یا قانونی و هرگونه اقدام مستبدانه دیگری که به دنبال اقدامات مشروع و قانونی این اشخاص بر اساس این اعلامیه انجام شده، توسط مراجع ذیصلاح تضمین گردد".
۵. به طور کلی، تحت هر شرایطی اطمینان دهند که مفاد حقوق بشر و آزادی های اصلی در ایران مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر عهدنامه های بین المللی و منطقه ای که در زمینه حقوق بشر فعالیت می کنند و ایران نیز آنها را به رسمیت می شناسد رعایت خواهند شد.

رونوشت:

- رهبر انقلاب اسلامی، جناب آیت الله سیدعلی خامنه ای.

- ریاست جمهوری، جناب آقای محمود احمدی نژاد.

- ریاست دادگستری، جناب آقای محمود هاشمی شاهرودی.

- وزیر امور خارجه، جناب آقای منوچهر متکی.

- دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، جناب آقای محمد جواد لاریجانی.

- نماینده جمهوری اسلامی ایران در سوئیس.

- سفیر ایران در فرانسه، جناب آقای علی آهنی.

لطفاً رونوشت این نامه را به دیگر نمایندگان دیپلماتیک جمهوری اسلامی در دیگر کشورها نیز ارسال فرمایید.

پاریس - ژنو، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۸

لطفاً در پاسخ خود ما را از هرگونه اقدام انجام شده درخصوص این درخواست ها مطلع فرمایید.

برنامه نظارت، برنامه مشترکی است از "فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر" (FIDH) و "سازمان جهانی مبارزه با شکنجه" (OMCT) که به حمایت از مدافعان حقوق بشر اختصاص داشته و هدف اصلی آن، پشتیبانی همه جانبه از این افراد در زمان نیاز می باشد. برنامه نظارت، همچنین برنده جایزه حقوق بشر در سال ۱۹۹۸ از کشور فرانسه است.

## روزهای سخت مطبوعات منتقد

مطبوعات مستقل و منتقد دولت، این روزها یکی از سخت‌ترین روزهای خود را تجربه می‌کنند. برخلاف اینکه پیش‌بینی می‌شد در ماه‌های پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، فضای مطبوعاتی به دلیل فضای ویژه انتخابات بازر شود، گفته‌های مسوولان فرهنگی چیزی را که نشان‌دهنده سعه صدر باشد، دربر ندارد.

در روزهای اخیر وزارت ارشاد و تعدادی از سیاستمداران نزدیک به مدیران آن، حملات شدیدی را به مطبوعات منتقد و اصلاح‌طلب وارد کرده‌اند؛ نمونه آن آیت‌الله جنتی است که از تریبون نماز جمعه گفت: «امروز شاهد هستیم ده‌ها روزنامه به جان دولت افتاده‌اند و هرچه می‌خواهند می‌گویند و اسمش را آزادی می‌گذارند و از خارج هم برایشان دست می‌زنند. اگر آنها فکر می‌کنند مردم روزی کشور را تقدیم آنها خواهند کرد، سخت در اشتباهند چراکه مردم ایران مسلمان، انقلابی و هشیارند. متأسفانه این افراد مردم ایران را نشناخته‌اند و نمی‌دانند مردم مسلمان ایران پشت سر رهبری و انقلاب و نظام هستند. در قبال تفرقه‌افکنی و به خطر افتادن خون شهدا، مراجع تقلید، امامان جمعه و جماعات، صدا و سیما و مطبوعات مسوولیت دارند. ما نمی‌توانیم در قبال این مسائل سکوت کنیم زیرا سکوت کردن در برخی مواقع گناه بزرگی است.»

وزیر ارشاد نیز مطابق با رویه‌ای که از ابتدای وزارت خود در قبال مطبوعات منتقد داشته، از آنها انتقاد کرد و حتی گفت که «بنده می‌دانم در مورد بعضی از رسانه‌ها که فقط به دنبال فعالیت حزبی هستند، چندان نمی‌توان امیدوار بود.» البته می‌توان گفت در ماجرای علی کردان، نه مطبوعات اصلاح‌طلب که مطبوعات اصولگرا میدان‌دار دعوا بودند و بدون ملاحظه خیلی خطوط را رد کردند. وزیر ارشاد با اینکه از فضای مطبوعاتی روزنامه کیهان به دولت رفته، پیش از این نیز بارها مطبوعات مستقل را نواخته و به انواع اتهامات آراسته است. او در تیرماه سال گذشته برخی از مطبوعات را به دست داشتن در «کودتای خزنده» متهم کرد. مطبوعات منتقد، مدت‌هاست که مورد هجوم وزارت ارشاد قرار گرفته‌اند. در خردادماه امسال، مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با روزنامه کارگزاران، صراحتاً اعلام کرد که به مطبوعات منتقد آگهی نمی‌دهند. او گفته بود: «در فضایی که برخی رسانه‌ها شمشیر را علیه دولت از رو بستند، به صورت دولت تیغ می‌کشند، صراحتاً اعلام می‌کنند که قصد براندازی دولت را دارند و در عمل هم این کار را اثبات می‌کنند، طبیعی است که انتظار آگهی دولتی، زیاده‌خواهانه است. قطع آگهی‌های دولتی واکنش طبیعی به قصد مطبوعات منتقد برای براندازی دولت است.»

وزیر ارشاد هم در همان روزها گفت که «افزایش یارانه به روزنامه‌هایی تعلق می‌گیرد که هم کارشان را خوب انجام می‌دهند و هم استحقاق یارانه را دارند.» جدا مشخص نیست که معنی این سخن وزیر ارشاد چه می‌تواند باشد. اگر یک روزنامه‌نگار منصف بخواهد برخورد دولت را با رسانه‌های منتقد توصیف کند، می‌تواند بگوید: یارانه روزنامه‌ها قطع شده یا بسیار کاهش یافته است، آگهی‌های دولتی قطع شده است، توقیف مطبوعات شتاب گرفته است، گرفتن مجوز مطبوعات به امری بسیار زمان‌بر تبدیل شده است و هر روز هر چهره و مقامی از طرفداران دولت، مطبوعات را به براندازی و آمریکایی بودن و اتصال به سیا متهم می‌کنند. در عین حال، هیچ آماری نیز از کمک‌های وزارت ارشاد به روزنامه‌ها ارائه نمی‌شود تا افراد بیرون از قدرت، بفرمایند چقدر عدالت رعایت می‌شود.

بسیاری از اهالی مطبوعات، این روزها که تهدید هر اتفاق ناخوشایندی بر سر مطبوعات منتقد سایه انداخته، از دو سال ابتدایی دوره اول ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی، هنگامی که عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد بود، به نیکی یاد می‌کنند و تفاوت‌های آن دوران را با دوره کنونی برمی‌شمارند. روزنامه کارگزاران برای اینکه خوانندگان بدانند به شیوه دیگری متفاوت با روش کنونی نیز می‌توان با مطبوعات برخورد کرد، با عیسی سحرخیز که در دوره وزارت مهاجرانی، مدیرکل مطبوعات داخل کشور بود، انجام داده است. در آن دوران، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد، مرحوم احمد بورقانی بود. سحرخیز می‌گوید: «از نظر دادن مجوز به نشریات، وزارت ارشاد بدون نظر گرفتن جریان فکری مقاضی، درخواست‌ها را بررسی می‌کردیم. موردی را که به خاطر مسائل سیاسی به آن مجوز نداده باشیم را به یاد ندارم.»

او درباره لغو مجوز برخی نشریات به دلیل منتشر نشدن در زمان مقرر یا به اصطلاح «ماده ۱۶ شدن» آن نیز خاطره‌ای را به یاد می‌آورد: «آقای خاتمی رئیس‌جمهور بود و مجله آیین را که مدیرمسئولش بود مشمول ماده ۱۶ کردیم اما به نشریه شما که مربوط به هیات مؤتلفه بود و مجوز روزنامه داشت اما به صورت هفته‌نامه منتشر می‌شد، کمک کردیم تا هفته‌نامه شود.» مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد دولت خاتمی می‌گوید: «برای کمک به مطبوعات فرمولی را تعیین کردیم که هر نشریه، با توجه به تیراژ و صفحات خبری خود، کاغذ بگیرد. این فرمول به همه مطبوعات ابلاغ شد و بسیار شفاف بود و هیچ‌گونه ملاحظه سیاسی هم در آن اعمال نشده بود. حتی ما برای اینکه مورد اتهام بودیم، کمی هم برای مطبوعات اصلاح‌طلب سختگیرانه‌تر عمل می‌کردیم.» سحرخیز درباره سیاست‌های نظارتی وزارت ارشاد نیز می‌گوید: «هیچ‌گاه به خاطر انتقاد یا ابراز عقیده نشریات را توقیف نکردیم و نهایتاً نشریاتی مثل نشریات عام‌پسند را که مشکل اخلاقی داشتند به دادگاه مطبوعات ارجاع می‌دادیم. وزارت ارشاد هیچ‌گاه نشریات منتقد را توقیف نمی‌کرد چون معتقد بودیم در این هیات مدیران مسوول امکان دفاع از خود را ندارند. به علاوه جرائم مطبوعاتی باید در دادگاه علنی با حضور هیات منصفه برگزار شود. از سوی دیگر سعی می‌کردیم هر تفکر و حزبی دارای یک نشریه باشد و اگر دچار مشکل می‌شد، جایگزینی برایش مهیا می‌کردیم؛ مثل نشریه جبهه مسعود دهنمکی که به جای آن شلمچه منتشر شد.»

## «نشست ۵+۱ درباره ایران نتیجه ملموسی نخواهد داشت»



حسین آربین

مدیران سیاسی کشورهای گروه ۵+۱، امروز، پنجشنبه بیست و سوم آبان، در پاریس گرد هم آمده‌اند تا در باره برنامه هسته‌ای ایران رایزنی کنند.

ویلیام برنز، معاون وزیر امور خارجه آمریکا، به نمایندگی از این کشور، در این نشست شرکت می‌کند.

خاویر سولانا، هفنه پیش، در نامه‌ای به دولت ایران، اعلام کرده است که خواستار گفت‌وگوی تازه با تهران است.

حسن قشقاوی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، نیز در واکنش به موضوع این نامه گفته است: پیشنهادهای خاویر سولانا تکراری است و با پیشنهادهای قبلی تفاوتی ندارد.

در این رابطه، رادیو فردا گفت‌وگویی با شانون کایل، پژوهشگر ارشد موسسه بین‌المللی مطالعات صلح در استکهلم، سوئد، انجام داده است:

راديو فردا: چه انتظاری می توان از نشست پاریس داشت؟ آیا این نشست به نتیجه ای خواهد رسید؟  
شانون کابل: به باور من انتظار نمی رود که این نشست به توافق یا نتیجه ملموسی دست یابد. با توجه به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و پیروزی باراک اوباما، اغلب کشورها تا حدی به سیاست «فعلا» دست نگهداریم» روی آورده اند. با اطمینان می توان گفت که کشورهای اروپایی این سیاست را پیشه کرده اند.

علاوه بر این، آمریکا و روسیه بر سر بحران گرجستان و موضوع سپر دفاع موشکی آمریکا که قرار است در لهستان و جمهوری چک بر پا شود، اختلاف دارند و این اختلاف کوشش های بین المللی را برای رسیدن به یک سیاست واحد درباره مسئله هسته ای ایران را مشکل کرده است.

با این حال، آمریکا به همراه دیگر کشورهای گروه ۵+۱ کماکان بر سیاست دوگانه، یعنی اعمال فشار بر ایران و ارائه مشوق های اقتصادی و فنی، اصرار می ورزد. آیا این سیاست راه به جایی خواهد برد؟

تا به حال هیچ نشانه ای دال بر اینکه سیاست به اصطلاح «هویج و چماق» موثر افتاده باشد، وجود ندارد. گزارش محمد البرادعی، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی، نشان می دهد که ایران در رابطه با غنی سازی اورانیوم پیشرفت چشمگیری داشته است. ایران تا به حال پنج قطع نامه شورای امنیت را، که از جمهوری اسلامی می خواهد برنامه غنی سازی اش را متوقف کند، نادیده گرفته است.

به باور من، سیاست دوگانه کشورهای گروه ۵+۱ به اندازه کافی قاطع و محکم نیست و نمی تواند راه و روش ایران را عوض کند. تحت شرایط فعلی انتظار نمی رود که ایران تغییر عقیده دهد.

فقط دو ماه به پایان دولت بوش مانده است. فکر می کنید این دولت تحریم های جدیدی را علیه ایران اعمال کند؟ آیا روی کار آمدن دولت اوباما می تواند راهگشای مساله هسته ای ایران باشد؟

در حال حاضر نظر کلی این است که دولت بوش به جز اقدامهای نه چندان چشمگیر، مانند افزایش تحریم از سوی وزارت خزانه داری آمریکا علیه برخی از بانک ها و مقام های ایرانی، کار دیگری نمی تواند انجام دهد.

اغلب کشورها منتظرند که ببینند دولت باراک اوباما چه سیاستی را در پیش خواهد گرفت.

در واقع منتظر دو رویداد هستند: اول این که تیم امنیت ملی باراک اوباما متشکل از چه کسانی خواهد بود و آیا این تیم سیاست گفت و گوی مستقیم با ایران را پیشه خواهد کرد یا خیر.

دوم این که، وضع اقتصادی ایران به چه سمت و سویی خواهد رفت. زیرا بهای نفت به شدت کاهش یافته و اگر اقتصاد ایران با مشکلات جدی تری روبرو شود شاید آن وقت دولت ایران به توافقی در باره مساله هسته ایش تن بدهد و کمک کشورهای خارجی را بپذیرد. یا دست کم راهی برای خروج از بن بست تحریم های فعلی بیابد.

پسر آیت الله حسینعلی منتظری اتهام های وارده از سوی دادستان ویژه روحانیت قم به یکی از اعضای بازداشت شده دفتر این مرجع تقلید را رد کرد و گفت که می خواهند از آقای منتظری انتقام بگیرند.

مجتبی لطفی، مسئول اطلاع رسانی دفتر آیت الله منتظری در قم، مهر ماه گذشته بازداشت شد و ماموران امنیتی منزل داماد این مرجع تقلید و روحانی بلندپایه منتقد دولت جمهوری اسلامی را نیز بازرسی کردند.

علی عبداللّهی، دادستان ویژه روحانیت قم روز چهارشنبه، ۲۳ آبان، اعلام کرد که اتهام آقای لطفی، فعالیت در شرکت های هرمی، تهیه و توزیع جزوات و مقالات بدون داشتن مجوز قانونی و همچنین نشر اکاذیب است.

احمد منتظری، پسر آیت الله منتظری در گفت و گو با راديو فردا می گوید: «باعث تعجب است که يك مقام قضایی این گونه صحبت می کند. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی کسی حق ندارد قبل از اثبات جرم در باره فردی که متهم است خبری به مطبوعات بدهد و بخواند حیثیت او را لکه دار کند.»

وی افزود: «طبق قانون مجازات اسلامی نیز افراد تا زمانی که محکوم نشده اند کسی حق ندارد اتهام آنها را اعلام کند. باعث تعجب است که دستگاه قضایی پس از ۳۰ سال کسب تجربه، مرتکب تخلف می شود.»

دادستان ویژه روحانیت قم گفته است که اتهام های مجتبی لطفی ارتباطی با فعالیت های او در دفتر آیت الله منتظری ندارد ولی پسر این مرجع تقلید چنین مسئله ای را رد می کند.

وی می گوید: اینکه می گویند که اتهام آقای لطفی ربطی به آقای منتظری ندارد کاملا اشتباه است. چون ایشان مسئول خیر دفتر ایشان بودند و نشریه ای که به نام «اطلاع» منتشر می کردند نشریه دفتر آیت الله منتظری بوده است.

احمد منتظری اظهار داشت: هدف از این نوع برخورد ها، «انتقام گیری» از آیت الله منتظری است. چون ایشان روز عید فطر به نظام اعتراض کردند که چرا حسینیه ای که محل تدریس من هست بی جهت توقیف شده است و ما مکانی برای مجالس تدریس و سخنرانی نداریم.

وی افزود: وقتی آیت الله منتظری این مسئله را مطرح کردند، مسئولین خیلی عصبانی شدند و در برخی جاها اظهار کردند که چرا آقای منتظری باز به نظام اعتراض کرده است. من فکر می کنم بازتاب و عکس العمل آن این شد که آقای لطفی را دستگیر کردند و این يك انتقام گیری از آیت الله منتظری است.

احمد منتظری در پاسخ به اتهام دادستان ویژه روحانیت قم مبنی بر انتشار جزوات و مقالات بدون مجوز توسط مجتبی لطفی گفت: «انتشار بولتن داخلی که در يك سطح محدود توزیع می شود احتیاجی به مجوز ندارد و فقط کتاب و مجله است که احتیاج به مجوز دارد.»

مجتبی لطفی که روحانی است همکار روزنامه های توقیف شده خرداد و فتح بوده است. وی اواخر اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳ نیز در شهر قم دستگیر و زندانی شده بود ولی پس از مدتی، آزاد شد.

احمدی منتظری می گوید: «انتظار این است که ایشان هر چه سریعتر آزاد شوند و کسی که در دسترس است و هر لحظه می توانند او را احضار، بازجویی و محاکمه کنند دلیلی ندارد که در زندان به این صورت تحت فشار باشد.»

پسر آیت الله منتظری افزود: «الان نگهداشتن يك زندانی در زندان انفرادی خود يك شکنجه محسوب می شود؛ شکنجه جسمی و روحی. مخصوصا در مورد آقای لطفی که جانباز شیمیایی جنگ تحمیلی است فشارها مضاعف است.»

## نآرامی‌های دانشگاه زاهدان در کجا ریشه دارد؟

به گفته وی، «اگر نظام، وی را آزاد کند گام مثبتی در جهت حفظ آبروی خود برداشته است.» بازداشت مجتبی لطفی با محکومیت برخی سازمان‌ها از جمله گزارشگران بدون مرز روبه‌رو شده است و این نهاد مستقر در پاریس، چنین اقدامی را «نشانگر خواست دولت برای ایجاد محدودیت بیشتر در اطلاع‌رسانی برای وب‌نگاران و روزنامه‌نگاران» دانسته است.

از آغاز هفته‌ی جاری با حمله‌ی افراد ناشناس به چند تن از دانشجویان دانشگاه زاهدان، نآرامی‌ها در این دانشگاه بالا گرفته است. به گفته‌ی یکی از دانشجویان، روز چهارشنبه حدود ۳ هزار دانشجو در این دانشگاه متحصن بوده‌اند. روز شنبه، هجدهم آبان‌ماه، چند فرد ناشناس وارد محوطه‌ی دانشگاه زاهدان شده و با عده‌ای از دانشجویان درگیر شده‌اند. در جریان این درگیری تعدادی دانشجو مجروح و مصدوم شده‌اند.

در اعتراض به این واقعه، تعدادی از دانشجویان در روز یکشنبه در محوطه‌ی دانشگاه دست به تحصن زده‌اند. رییس دانشگاه نیز در جمع متحصنین حاضر شده و این رویداد را به «عوامل شرور خارج از دانشگاه» نسبت داده است. وی سپس به دانشجویان قول رسیدگی به این موضوع را داده و تحصن نیز به پایان رسیده است.

اما همان شب، برای یار دوم افراد ناشناس به یک دانشجوی کارشناسی ارشد در ورزشگاه دانشگاه حمله کرده و وی را با شش ضربه چاقو مجروح کرده‌اند. این دانشجو در حال حاضر در بیمارستان بستری است.

بعد از حمله‌ی دوم، تعداد زیادی از دانشجویان دست به تحصن زده و خواهان برخورد ریاست دانشگاه با این موضوع و نیز توبیخ ماموران حراست شده‌اند، زیرا قانوناً ماموران حراست باید مانع ورود افراد ناشناس به محوطه دانشگاه شوند.

مرتضی سمیاری، یکی از دانشجویان دانشگاه زاهدان، می‌گوید، چندی است که ماموران حراست این دانشگاه حتی از ورود دانشجویان شبانه به محوطه‌ی خوابگاه جلوگیری می‌کنند. بنابراین برای آنها بسیار راحت بوده که جلوی ورود این افراد را بگیرند. سمیاری همچنین اضافه می‌کند: «الان مسئولین دانشگاه‌ها نسبت به حضور دانشجویان خیلی حساس هستند. گیت‌هایی را در داخل دانشگاه‌ها نصب می‌کنند، حراست دانشگاه را تقویت می‌کنند. این سوال برای ما مطرح است که آیا در استان سیستان و بلوچستان، در شهر زاهدان، که مسائل امنیتی در داخل آن خیلی حساس است، چطور است که یک نفر از خارج دانشگاه به راحتی می‌تواند وارد دانشگاه شود و جو دانشگاه را به هم بزند.»

هویت افراد مهاجم مشخص نیست

هیچیک از دانشجویان از هویت افراد حمله‌کننده اطلاعی ندارد، ولی اکثریت دانشجویان معتقدند که این افراد دانشجو نبوده و از خارج از دانشگاه به داخل راه پیدا کرده‌اند. سمیاری با اشاره به حساسیت مسئولان نسبت به سیاسی نکردن این موضوع و جلوگیری از وارد شدن نیروهایی مثل «تحکیم وحدت» به این جریان می‌گوید: «من حدسم این است که اینها دانشجو نبوده‌اند، ولی اینکه هویت این افراد چیست، در حال حاضر نمی‌توانم نسبت به این قضیه پاسخگو باشم. به نظر من باید نیروهایی که تمام عزم خودشان را نسبت به این موضوع جزم کرده‌اند که اجازه ندهند تشکلهای دانشجویی در این قضیه دخالت کنند و هر حرفی که زده می‌شود آن را سیاسی تعبیر می‌کنند، آنها باید در حال حاضر پاسخگو باشند، نه من دانشجو.»

با توجه به وضعیت نآرام استان سیستان و بلوچستان در دو سال اخیر و بروز گاه و بیگاه نآرامی‌هایی در این استان، برخی از منابع دولتی، موضوع دانشگاه زاهدان را به «افراد شرور» این ناحیه نسبت داده‌اند. اما مرتضی سمیاری این اعتقاد را ندارد و می‌گوید، اینها کسانی هستند که می‌خواهند جو دانشگاه را نآرام کنند تا از این نآرامی به نفع خود بهره‌برداری کنند.

وی همچنین در مورد وضعیت استان سیستان و بلوچستان می‌گوید: «به عنوان کسی که چهار سال در این استان درس خوانده‌ام، هم زمانی که سپاه در اینجا فعالیت‌هایش را خیلی گسترده کرد و هم قبل از آن در این استان بوده‌ام، به جرات می‌توانم بگویم که قبل از اینکه این تحرکات نظامی در استان بالا برود، جو استان آرامش بسیار بیشتری داشت.»

اردیبهشت‌ماه امسال نیز گروهی مسلح به چاقو و چوب به ناهارخوری دانشگاه بیرجند حمله کرده و تعدادی از دانشجویان را که همگی عضو انجمن اسلامی بودند، مورد ضرب و شتم قرار دادند.

سال گذشته در لرستان نیز حدود ده نفر ناشناس با چوب و چماق وارد محوطه دانشگاه شده و به دانشجویان حمله کردند.

در سال ۱۳۸۴ نیز حدود بیست فرد ناشناس به خوابگاه پسران دانشگاه نیشابور حمله کرده و دانشجویان را با سلاح سرد مورد حمله قرار دادند.

میترا شجاعی

## «رزمایش در تهران: به تاخیر انداختن بروز بحران»

غرب تهران روز پنجشنبه ۲۳ آبان، صحنه رزمایش ۳۰ هزار نفره نیروهای انتظامی بود. به عقیده‌ی یک جامعه‌شناس هدف عمده این مانور‌ها را، اعلام ثبات سیاسی و به تاخیر انداختن ساعت بروز بحران‌های اجتماعی است.

غرب تهران روز پنجشنبه صحنه رزمایش ۳۰ هزار نفره نیروهای انتظامی بود. چهار هزار وسیله نقلیه سبک و سنگین و ۵۰ فروند هلی‌کوپتر عملیات این رزمایش را که «امنیت و آرامش» نام دارد، همراهی می‌کنند. فرمانده نیروی انتظامی تاکید کرده که پلیس قادر است علاوه بر مقابله با اقدام‌های تروریستی احتمالی، با ناهنجاری‌ها، انحراف‌ها و سایر پدیده‌های اجتماعی نیز مقابله کند.

دکتر فرامرز قره باغی، استاد رشته جامعه‌شناسی در گفتگو با دویچه‌وله، هدف عمده این مانور‌ها را، اعلام ثبات سیاسی و به تاخیر انداختن ساعت بروز بحران‌های اجتماعی عنوان می‌کند.

دویچه‌وله: فرمانده نیروی انتظامی در مراسم آغاز رزمایش روز پنجشنبه اعلام کرد که پلیس آمادگی برخورد با هر بحرانی را دارد. آیا معنای پنهان در این گفته اینست که شواهدی برای بروز یک بحران اجتماعی وجود دارد؟

فرامرز قره‌باغی: همین‌طور است. حوادث امروز در ایران در مسیر افزایش بحران‌ها و تنش‌های سیاسی و اجتماعی است. ویژگی این تنش‌ها اینست که در لایه‌های مختلف اجتماعی به چشم می‌خورند، نه فقط در بین افسار فرودست. پیام این رزمایش اینست که بگویند ما آماده مهار هرگونه تنش یا احتمالاً شورش اجتماعی هستیم. این را نیز بگویم که بخش دوم نام این رزمایش، آرامش است. اما این آرامش برای مردم

نیست.

و این ثبات یا آرامش چگونه با رزمایش به دست می‌آید؟  
درچنین وضعیتی، قدرت‌نمایی یکی از ضرورت‌های فروکاستن از تنش‌های قریب‌الوقوع است. قدرت‌نمایی موجب عقب انداختن بروز ناراضیاتی می‌شود.

شما از واکنش مردم نسبت به این رزمایش چیزی می‌دانید؟

من با لایه‌های مختلف اجتماعی تماس دارم و می‌دانم که مردم ناراضی بودند. اطلاع دارم که آنها هم پاسخ متقابل به این مانور نشان داده‌اند... به چه ترتیب؟

در محافل خصوصی، در وبلاگ‌ها، بین خویشاوندان یا در تماس با نشریات، می‌توان اظهارنظرهای منفی مردم را شنید. هرچند نشریات این‌گونه گلیایه‌ها را چاپ نمی‌کنند اما مردم تماس می‌گیرند. به واقع، ندیدن این رزمایش‌ها برای مردم آرامش‌آفرین است.

فرمانده نیروی انتظامی از جمله اهداف این مانور را امدادسانی در بحران‌های ناشی از حوادث طبیعی عنوان کرده است. آیا ابزارهای مقابله با اقدام‌های تروریستی با امدادسانی حوادث غیرمترقبه یکسان هستند؟

خیر. سیل، زلزله یا آتشفشان طبیعتاً امکانات امدادی خود را می‌طلبند. البته نیاز به پلیس هست اما به مثابه حمایت‌کننده. اگر قرار بر جنبه امداد باشد، "ان.جی.او" ها، نیروهای مردمی، هلال احمر و سازمانهای غیرنظامی که جنبه سرکوبگرانه ندارند باید وارد کار شوند.

آیا اینگونه مانورها علاوه بر مصرف داخلی، از نظر خارجی نیز مصرفی ندارند؟

چرا، از نظر خارجی نیز نشانگر ثبات‌اند. به این ترتیب، دولت‌ها و رسانه‌های خارجی نیز خواهند فهمید که دولت و حکومتی، حضوری پدرسالارانه در جامعه دارد.

شما در توضیحات خود چند مرتبه از قدرت‌نمایی و ارباب صحبت کردید. آیا به این ترتیب مردم مرعوب خواهند شد؟

دکترین جمهوری اسلامی در برخورد با مردم، شعار "النصر بالرب" است. اما اینکه آیا این دکترین کارایی دارد باید منتظر بزنگاه‌های تاریخی بود و دید که مردم یا حاکمیت از آن چگونه بیرون می‌آیند. من شخصا اعتقاد دارم که برد همیشه با مردم است.

مصاحبه‌گر: مهیندخت مصباح

## واکنش‌ها به ربوده‌شدن دیپلمات ایرانی در پاکستان

DW-WORLD.DE  
DEUTSCHE WELLE

روز پنجشنبه (۲۳ آبان) حشمت‌الله اطهرزاده، وابسته بازرگانی کنسولگری ایران در پاکستان ربوده شد. سفیر ایران در اسلام‌آباد به این حمله واکنش نشان داد. نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور پاکستان اطمینان دادند که موضوع را دنبال می‌کنند.

حشمت‌الله اطهرزاده، وابسته بازرگانی کنسولگری ایران، صبح روز پنجشنبه در منطقه "حیات‌آباد" در پیشاور پاکستان ربوده شد. وی که به همراه راننده خود عازم محل کار بود، از سوی افراد ناشناس مورد حمله قرار گرفت. در این حمله محافظ شخصی اطهرزاده کشته و وی و راننده‌اش به گروگان گرفته شدند. هنوز هیچ گروه یا شخصی مسئولیت این اقدام را بر عهده نگرفته و تقاضایی هم از سوی ربایندگان مطرح نشده است.

مائثالله شاکری، سفیر ایران در اسلام‌آباد، در واکنش به این اقدام اعلام کرد که بر اساس کنوانسیون وین در مورد مصونیت سیاسی دیپلمات‌ها، دولت پاکستان مسئول حفظ امنیت دیپلمات‌های ایران در این کشور است. وی افزود که تلاش‌ها به همراه مقامات محلی برای شناسایی ربایندگان و اقدامات بعدی برای آزادی اطهرزاده ادامه دارد.

آصف‌علی زرداری، رئیس‌جمهور و یوسف‌رضا گیلانی، نخست‌وزیر پاکستان این حادثه را محکوم و دستور پیگیری آنرا صادر کردند.

یک روز پیش از ربودن دیپلمات ایرانی، یک آمریکایی فعال در برنامه‌های انسان‌دوستانه در پاکستان، به همراه راننده‌اش در پیشاور به دست افراد ناشناس کشته شد. در ماه اوت هم یک دیپلمات زن آمریکایی در پیشاور مورد تیراندازی افراد مسلح قرار گرفت. وی اما در خودروی ضدگلوله قرار داشت و آسیبی ندید. روز سه‌شنبه (۲۱ آبان) هم در یک حمله انتحاری در مقابل یک ورزشگاه در همین شهر، چهار نفر کشته شدند.

شهر پیشاور مرکز ایالت سرحدآباد شمال غرب است. این ایالت در همسایگی مناطق قبیله‌نشین در مرز افغانستان قرار دارد که نیروهای القاعده و اسلام‌گرایان افراطی طالبان در آن نفوذ گسترده‌ای دارند.

ایرنا - رویترز / پ

## سخنگوی دولت بوش: کار روی مسئله ایران را ادامه می‌دهیم

DW-WORLD.DE  
DEUTSCHE WELLE

نمایندگان ۱ + ۵ روز پنجشنبه (۱۳ نوامبر)، گفت‌وگوهای خود درباره‌ی برنامه‌ی اتمی ایران را از سر می‌گیرند. سخنگوی وزرات خارجه آمریکا اعلام کرد، دولت جرج بوش در روزهای پایانی هم مسئله‌ی اتمی ایران را از نظر دور نمی‌کند.

روبرت وود (Robert Wood) سخنگوی وزارت امورخارجه‌ی آمریکا، روز چهارشنبه (۱۲ نوامبر) اعلام کرد، از سوی این کشور ویلیام برنس (William Burns)، مرد شماره سه وزارت امور خارجه، در نشست پاریس شرکت می‌کند.

نماینده‌ی دولت کنونی آمریکا در حالی در این نشست شرکت می‌کند که تنها ۴ هفته تا پایان دوران ریاست جمهوری بوش باقی است. روبرت وود در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه در پاسخ به این پرسش که آیا دولت بوش قادر است در این فرصت باقیمانده، تصمیمات جدیدی علیه ایران اتخاذ کند، گفت، دولت برای افزایش فشار بر ایران در هفته‌های پایانی دوره‌اش هم برنامه‌ای در دست دارد. وود افزود: «ما مصمم هستیم کار روی مسئله ایران را ادامه دهیم، این مسئله مهم است. در نشست پاریس ما با شرکت‌کنندگان دیگر درباره‌ی چگونگی رفتار با ایران بحث خواهیم کرد. اما در حال حاضر از آنچه که ایران انجام می‌دهد بسیار نگرانیم.» وود نشست پاریس را نشستی بر پایه‌ی گفت‌وگو پیرامون گام‌های بعدی ایران با به‌کارگیری "استراتژی دوجانبه" نامید.

اوباما حاضر به گفت‌وگوی بدون پیش‌شرط با ایران

دولت بوش در تازمترین اقدام برای مقابله با برنامه اتمی جمهوری اسلامی، روز پنجشنبه (۶ نوامبر/۱۶ آبان)، دست به تصویب تحریم‌های تازه علیه ایران زد. وزارت خزانه داری آمریکا با ممنوع کردن انواع معینی از انتقال سرمایه، ترتیبی داده است که دسترسی ایران به نظام

مالی آمریکا محدود شود. باید دید که آیا این آخرین اقدام بوش در هفته‌های پایانی زمامداری است یا خیر. باراک اوباما روز ۲۰ ژانویه زمام قدرت را در آمریکا در دست می‌گیرد. اوباما روز سه شنبه چهارم نوامبر از گفت‌وگوی بدون پیش شرط برای گشایش مشکل اتمی با ایران، سخن گفته است. البرادعی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سه‌شنبه (۱۱ نوامبر) در کنفرانسی خبری در پراگ، از اظهارات اوباما استقبال کرد و گفت‌وگوی مستقیم آمریکا با ایران را باعث همکاری بیشتر ایران با آژانس خواند. واکنش به اظهارات اوباما

حسین طائب، فرمانده نیروی مقاومت بسیج ایران، روز پنجشنبه (۱۳ نوامبر)، در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، درباره‌ی اظهارات اخیر اوباما گفت: «از کسی که با نقاب دوستی می‌آید اما هدفش خیانت است و از زاویه مذاکره بدون قید و شرط وارد می‌شود باید بیشتر احساس خطر کرد.» این در حالی است که پیش از این برخی مقامات ایرانی انتخاب اوباما به ریاست جمهوری آمریکا را نشانه‌ی تغییری اساسی در رویکرد آمریکا به سیاست خارجی این کشور عنوان کرده بودند. محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران نیز دو روز پس از انتخاب اوباما، این پیروزی را در نامه‌ای به او تبریک گفت.

کشورهای غربی و آمریکا جمهوری اسلامی ایران را متهم می‌کنند که زیر پوشش استفاده‌ی صلح آمیز از انرژی هسته‌ای، سرگرم ساخت سلاح‌های اتمی است. ایران این اتهام را همواره رد کرده و تنها هدف برنامه‌ی هسته‌ای خود را تولید برق و استفاده‌ی صلح‌آمیز نامیده است. شورای امنیت سازمان ملل متحد تا کنون چهار قطعنامه علیه ایران صادر کرده که در سه قطعنامه، تحریم‌هایی برای ایران به تصویب رسیده اند. درخواست از ایران برای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، نقطه‌ی مشترک تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت از ایران را تشکیل می‌دهد. خواسته‌ای که ایران آن را "خط قرمز" نامیده و به شدت رد می‌کند. الف/ خبرگزاری فرانسه، مهر

### اختلاف نظر کشورهای ساحلی خزر در نشست زیست محیطی در تهران

BBC PERSIAN.com

دومین نشست کشورهای عضو کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر، که در تهران جریان داشت، عصر چهارشنبه بیست و دوم آبان بدون نتیجه پایان یافته است.

قرار بود در این نشست، متن پروتکل حفاظت از تنوع زیستی و پروتکل مقابله، آمادگی و همکاری منطقه‌ای در برابر آلودگی‌های نفتی به تصویب برسد اما بر اساس خبرهای منتشر در خبرگزاری‌های ایرانی، شرکت کنندگان به توافقی در این زمینه که دستور کار اصلی نشست بوده، دست نیافته اند.

این نشست با حضور معاونان وزرای محیط زیست پنج کشور ساحلی دریای خزر، برگزار شد.

با اختلاف نظر به وجود آمده، اعضای شرکت کننده در اجلاس محیط زیست دریای خزر، نهایی شدن این پروتکل‌ها را به نشست بعدی موکول کرده اند.

فاطمه واعظ جوادی، معاون رئیس جمهوری ایران و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست این کشور، ابراز امیدواری کرده است کشورهای ساحلی "با انعطاف بیشتر و در نظرگیری نفع جمعی" این پروتکل‌ها را امضا کنند.

ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، پنج کشور ساحلی دریای خزر هستند که طی جلسه‌ای در تهران در سال ۱۳۸۲ مقرراتی برای حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر وضع کردند.

این مصوبه که "کنوانسیون تهران" نام گرفت، پس از امضای کشورهای ساحلی از سه سال پیش لازم‌الاجرا شد و قرار شد که پروتکل‌های تخصصی به آن اضافه شود.

کنوانسیون تهران، تنها توافق جامعی است که هر پنج کشور ساحلی دریای خزر آن را امضا و به تصویب مجالس قانونگذاری خود رسانده اند. ایران که خود را مبتکر این کنوانسیون می‌داند، از کشورهای ساحلی خواسته تا میزبان دائمی دبیرخانه زیست محیطی دریای خزر شود.

نگرانی از وضعیت زیست محیطی خزر

گسترش شهرنشینی در سواحل خزر در مناطق حاشیه به خصوص در سال‌های اخیر خسارات عمده‌ای را به محیط زیست دریا وارد آورده است.

دولت‌های حاشیه خزر نیز به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی و بی‌توجهی به مسائل زیست محیطی، به طور جدی به ضرورت پالایش فضولات خانگی و صنعتی و جلوگیری از ورود آبهای آلوده به مواد شیمیایی کشاورزی به رودخانه‌های منتهی به دریای خزر نپرداخته اند.

در سال‌های اخیر، نشست مواد نفتی از تاسیسات استخراج نفت نیز به این مشکلات افزوده شده است و ماهیگیری بی‌رویه حیات جانوری خزر را به مخاطره انداخته است.

به تازگی اتحادیه جهانی حفاظت از محیط زیست اعلام کرده است که نسل "فک خزر" یا "پوسا کاسپیکا" که تنها پستاندار دریای خزر محسوب می‌شود در خطر انقراض قرار دارد.

در عین حال، تاخیر در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و اختلاف بر سر نحوه بهره‌برداری از منابع آن تا کنون مانع از آن بوده است که کشورهای ساحلی دریای خزر توافق‌های محیط زیستی درباره این دریا را هم به مرحله اجرا درآورند.

### عملیات نیروی های پلیس در تهران وارد مرحله تازه شد

BBC PERSIAN.com

عملیات شش روزه نیروهای پلیس در تهران موسوم به "رزمایش امنیت و آرامش" از صبح پنجشنبه بیست و سوم آبان وارد مرحله تازه‌ای شد.

۳۰ هزار نفر از نیروهای انتظامی تهران با ۵۵ فروند هلیکوپتر، ۴ هزار دستگاه خودرو و موتورسیکلت، طی سه روز باقی مانده، این عملیات را برگزار می‌کنند.

سردار عزیزالله رجب زاده، فرمانده نیروی انتظامی تهران به خبرگزاری‌های ایران گفته است که در سه روز اول این عملیات، آموزش‌های مورد نظر پلیس توسط روسای کلانتری‌ها در مساجد و مدارس و صنف‌های مختلف ارائه شد.

او همچنین گفته است: "در طول انجام این رزمایش در سطح شهر هیچ کلانتری تعطیل نخواهد بود و تنها با اعلام وضعیت بحران کلانتری‌ها

به مقرهای یذکی مانند مساجد، مدارس و کانکس‌های از پیش تعیین شده منتقل خواهند شد." فرماندهان نیروی انتظامی، هدف از اجرای این عملیات را "ایجاد امنیت، آموزش به مردم، حفاظت بخش‌های ویژه، مقابله با تروریسم، اجرای پدافند غیر عامل، چترریزی، راهپیمایی تاکتیکی، استقرار واحدهای عملیاتی در شهر و تمرین و مقابله با بلایای طبیعی" عنوان کرده اند. اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی ایران در مراسم آغاز این عملیات گفته است: "در سایه آمادگی نیروی انتظامی و دیگر دستگاههای امنیتی هیچ گروه وابسته به تروریسم نتوانسته است به اهداف خود [در ایران] برسد." آقای احمدی مقدم گفته است که ایران با وجود اینکه در کانون بحران و ناامنی است، توانسته "جزیره امن" را برای خود ایجاد کند. برگزاری چنین رزمایشی در سطح شهر تهران سابقه ندارد اما فرمانده نیروی انتظامی تهران می گوید که این طرح هر ساله به صورت غیرمحسوس و به صورت فرماندهی های مجزا در بدنه نیروی انتظامی اجرا می شده است و از سه ماه قبل نیز برای اجرای این رزمایش برنامه ریزی شده است. عملیات نیروهای پلیس، در ده مسیر برگزار می شود و خیابانها و اتوبانهای اصلی شهر تهران را در بر می گیرد. همزمان با آغاز این عملیات، محدودیت های ترافیکی در تهران اعلام شده است. گفته می شود سازمانهایی نظیر آب و فاضلاب، برق، گاز، مخابرات، شهرداری، آتش نشانی، اورژانس، و جمعیت هلال احمر در برگزاری این همایش حضور خواهند داشت. قرار است عملیات "آرامش و امنیت" در سالهای آینده نیز برگزار شود و بعد از برگزاری آن در تهران، در سایر شهرهای بزرگ نیز به اجرا گذاشته می شود. پیش از اجرای این عملیات، مقام های ایرانی اعلام کردند که گشت های بسیج پس از چند سال بار دیگر فعالیت خود را در تهران آغاز کرده اند. احمد ذوالقدر، معاون فرمانده عملیات نیروی مقاومت بسیج، گفته بود که باتوجه به درخواست های مردم و اوضاع اجتماعی ایران، بسیج گشت های خود را در شهرها و محلات آغاز خواهد کرد. آقای ذوالقدر ه وظیفه این نیروها را ، تامین امنیت ساختمان های دولتی، عمومی و خصوصی و همچنین مقابله با اشرار و جرائم توصیف کرده بود اما گفته بود که این نیروها تحت هیچ شرایطی حق ورود به حریم خانه افراد را بدون حکم قضائی ندارند.

**تنها مطالب و مقالاتی که با نام جبهه ملی ایران - اروپا درج میشود نظرات گردانندگان سایت میباشد .**